



درس خارج فقه نظام سیاسی آیت الله اراکی رحمته الله

عنوان درس:	فقه نظام سیاسی	جلسه ۳۷	تاریخ درس:	۱۳۹۹/۱۰/۱
عنوان فرعی ۱	اجرای عدل؛ اولین وظیفه رهبری			
عنوان فرعی ۲	عدل سیاسی			
عنوان فرعی ۳	شرایط سلبی ولایت تفویض			
مقرر:	حجت الاسلام والمسلمین زحمتکش			

بحث ما در شرایط سلبی ولایت تفویض بود و به شرط عدم حب ریاست رسیدیم و گفتیم یکی از شرایط کسی که می خواهد ولایتی را به عهده بگیرد یا به عهده او بگذارند، این است که ریاست طلب نباشد و با هوی و هوس ریاست، به پُست نرسد و به تعبیر برخی روایات، پُست را طعمه خود نداند؛ بلکه به عنوان خدمت به مردم و اطاعت امر خدا به مسئولیتی تن بدهد و پُستی را به عهده بگیرد. روایاتی را در جلسه گذشته خواندیم که مرحوم مجلسی در بحار بیانی برای این روایت دارند که مفید است؛ روایتی که خواندیم این بود:

عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام أَنَّهُ ذَكَرَ رَجُلًا فَقَالَ إِنَّهُ يُحِبُّ الرِّئَاسَةَ فَقَالَ مَا ذِئْبَانِ ضَارِيَانِ فِي غَنَمٍ قَدْ تَفَرَّقَ رِعَاؤُهُمَا بِأَضْرَفِي دِينَ الْمُسْلِمِ مِنَ الرِّئَاسَةِ^۱

معمربن خلاد نزد حضرت ابو الحسن عليه السلام نام مردی را برد و گفت: او ریاست را دوست دارد، حضرت فرمود: بودن دو گرگ درنده در میان گله گوسفندی که چوپانش حاضر نباشند، زیان بخش تر از ریاست نسبت بدین مسلمان نیست (ریاست طلبی از دو گرگ درنده به دین مسلمان بیشتر زیان رساند).

مرحوم مجلسی بیان خوبی بر این روایت دارند و می فرمایند:

وفيه تحذير عن طلب الرئاسة وللرئاسة أنواع شتى منها ممدوحة ومنها مذمومة فالممدوحة منها الرئاسة التي أعطاها الله تعالى خواص خلقه من الأنبياء والأوصياء عليهم السلام لهداية الخلق وإرشادهم و دفع الفساد عنهم ولما كانوا معصومين مؤيدين بالعنايات الربانية فهم مأمونون من أن يكون غرضهم من ذلك تحصيل الأغراض الدنية والأغراض الدنيوية فإذا طلبوا ذلك ليس غرضهم إلا

۱. وسائل الشيعة؛ ابواب جهاد النفس، باب ۵۰، ح ۱.

الشفقة على خلق الله وإتقاذهم من المهالك الدنيوية والأخروية كما قال يوسف عليه السلام «اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلَيْهَا»

این یک نوع از ریاسات ممدوحه است که ریاسات انبیا و اوصیا است که گفتیم در قرآن کریم هم که از قول انبیا فراوان نقل شده که مرا اطاعت کنید و «اطیعونی» گفته اند مانند همین آیه از سوره یوسف؛ این نوع ریاست، از نوع حب الریاسة دنیوی و اغراض فاسد نفسانی نیست. در ادامه ایشان می فرماید:

وأما سائر الخلق فلهم رئاسات حقة ورئاسات باطلة وهي مشتبهة بحسب نياتهم واختلاف حالاتهم

گاهی یک ریاست حقه است اما با نیت فاسد تبدیل به ریاست باطله می شود؛ و ممکن است تغییر حال یک رئیس، ریاست او را تبدیل به ریاست باطله کند.

فمنها القضاء والحكم بين الناس وهذا أمر خطير وللشيطان فيه تسويلات ولذا وقع التحذير عنه في كثير من الأخبار وأما من يأمن ذلك من نفسه ويظن أنه لا ينخدع من الشيطان، فإذا كان في زمان حضور الإمام ع وسط يده ع وكلفه ذلك يجب عليه قبوله وأما في زمان الغيبة فالمشهور أنه يجب على الفقيه الجامع لشرائط الحكم والفتوى ارتكاب ذلك إما عينا وإما كفاية.

فإن كان غرضه من ارتكاب ذلك إطاعة إمامه والشفقة على عباد الله وإحقاق حقوقهم وحفظ فروجهم وأموالهم وأعراضهم عن التلف ولم يكن غرضه الترفع على الناس والتسلط عليهم ولا جلب قلوبهم وكسب المحمدة منهم فليست رئاسته رئاسة باطلة بل رئاسة حقة أطاع الله تعالى فيها ونصح إمامه.

وإن كان غرضه كسب المال الحرام وجلب قلوب الخواص والعوام وأمثال ذلك فهي الرئاسة الباطلة التي حذر عنها وأشد منها من ادعى ما ليس له بحق كالإمامة والخلافة ومعارضة أئمة الحق، فإنه على حد الشك بالله، وقريب منه ما فعله الكذابون المتصنعون الذين كانوا في أعصار الأئمة ع وكانوا يصدون الناس عن الرجوع إليهم، كالحسن البصري وسفيان الثوري وأبي حنيفة وأضرابهم.

ومن الرئاسة المنقسمة إلى الحق والباطل ارتكاب الفتوى والتدريس والوعظ فمن كان أهلا لتلك الأمور، عالما بما يقول، متبعا للكتاب والسنة، وكان غرضه هداية الخلق وتعليمهم مسائل

دینهم، فهو من الرئاسة الحقّة ويحتمل^۱ وجوبه إما عيناً أو كفاية؛ ومن لم يكن أهلاً لذلك ويفسر الآيات برأيه والأخبار مع عدم فهمها ويفتق الناس بغير علم فهو ممن قال الله سبحانه فيهم «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالاً الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعاً» وكذلك من هو أهل لتلك الأمور من جهة العلم لكنه وراء متصنع يحرف الكلم عن مواضعه ويفتق الناس بخلاف ما يعلم أو كان غرضه محض الشهرة وجلب القلوب أو تحصيل الأموال والمناصب فهو أيضاً من الهالكين

ممکن است کسی علم باشد و اهلّیت ریاست از لحاظ علمی داشته باشد، اما ریا کار است و می خواهد خودش را به مردم نشان دهد؛ لذا با اینکه می داند سخنی که می گوید سخن درستی نیست اما برای جلب قلوب مردم و گاهی برای جلب برخی از هوی پرستان و انسان های ضعیف، [چنین سخن می گوید و فتوی می دهد، ریاست این شخص هم از نوع ریاست باطله است]

ومنها أيضاً إمامة الجمعة والجماعة فهذا أيضاً إن كان أهله وصحت نيته فهو من الرئاسات الحقّة وإلا فهو أيضاً من أهل الفساد.

والحاصل أن الرئاسة إن كانت بجهة شرعية ونغرض صحيح فهي ممدوحة وإن كانت على غير الجهات الشرعية أو مقرونة بالأغراض الفاسدة فهي مذمومة فهذه الأخبار محمولة على أحد هذه الوجوه الباطلة أو على ما إذا كان المقصود نفس الرئاسة والتسلط.^۲

شاهد ما این عبارت است که می فرماید: «فهذه الأخبار محمولة على أحد هذه الوجوه الباطلة أو على ما إذا كان المقصود نفس الرئاسة والتسلط»، خود ریاست برای او مهم باشد. این بیان مرحوم مجلسی بیان جامعی است برای تبیین روایات مربوط به نهی از حب ریاست و شرط عدم حب ریاست در کسی که هر نوع از انواع ریاست را برعهده می گیرد.

۱. اینکه ایشان می فرماید «يحتمل وجوبه» احتیاط کرده و فرموده «يحتمل»؛ و الا حتماً واجب است، به وجوب کفایی یا عینی.

۲. بحار الانوار (ط - بیروت) ج ۷۰، ص ۱۴۶ و ۱۴۷.

۱۴. [اهل مصانعه و مضارعه نباشد]

شرط دیگری که برای ولایت تفیض در روایات ما به آن اشاره شده [این است که کسی که ولایت تفیض را بر عهده می گیرد نباید اهل مصانعه و کوتاه آمدن از مواضع دینی و اسلامی در برابر دشمن باشد] در نهج البلاغه از حضرت امیر علیه السلام چنین آمده است که حضرت می فرماید:

«لَا يَقْبَلُ أَمْرُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ إِلَّا مَنْ لَا يُصَانِعُ وَلَا يُضَارِعُ وَلَا يَتَّبِعُ الْمَطَامِعَ»^۱؛

فرمان خدا را بر پاندارد، جز آن کس که در اجرای حق مدارا نکند، و [در اجرای احکام الهی] سستی نکند، و پیرو آرزوهای شخصی نباشد.

«يُصَانِعُ» به معنای مدهانه است و اشاره به آن آیه کریمه است که می فرماید:

«وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ»^۲

آنها دوست دارند نرمش نشان دهی تا آنها (هم) نرمش نشان دهند (نرمشی توأم با انحراف از مسیر حق)!

یعنی هستند کسانی که برای جلب نظر اهل کفر و اهل شرک و انحراف، از مواضع دینی و اسلامی خودشان کوتاه بیایند تا اینکه اهل کفر آنها را بپذیرند؛ این همان «مصانعه» است؛ و کسی که اهل مصانعه است حق ندارد پستی بر عهده بگیرد.

اینکه گفته می شود «تجدید نظر طلبی» خیلی با مصانعه سازگار است و خیلی افراد در اوائل انقلابی بودند و بر مواضع امام اسرار داشتند و پافشاری می کردند اما کم کم وقتی دیدند که طلب دنیا اقتضا می کند که از مواضعشان کوتاه بیایند، از مواضعشان کوتاه آمدند و برگشتند و گفتند باید با آمریکا سازش کنیم!!! این سازش، همان مصانعه است.

«وَلَا يُضَارِعُ» در حاشیه آمده یعنی معامله با سستی و رخوت نکند و در اجرای احکام و حدود الهی سست نباشد؛ البته شاید از «مضارعه» به معنای مشابهت باشد که یعنی اینطور نباشد که از مواضع خودش کوتاه بیاید و خودش را شبیه دشمن کند و امتیازی به دشمن بدهد و با این کار خودش را شبیه دشمن کند برای اینکه دشمن از او خوشش بیاید و اهل نفاق او را بپذیرند؛ آیه «وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ» هنگامی نازل شد که مشرکین به رسول اکرم صلی الله علیه و آله گفتند بیا با همدیگر معامله کنیم و سیاست برد برد داشته باشیم و امتیازاتی را ما به شما می دهیم و شما نیز امتیازاتی را به ما بدهید.

۱. نهج البلاغه؛ حکمت ۱۱۰.

۲. سوره قلم؛ ۹.

کسی که می خواهد هر پستی – چه پست بالا و چه پست پایین – را به عهده بگیرد، معنایش این است که می خواهد اقامه امر الله کند، و چنین شخصی نمی تواند اهل مضارعه و مصانعه باشد زیرا می فرماید امر خدا با اینگونه افراد برپا نخواهد شد.